

## سخی ارزگانی

# تحفه های خونین به پیشواز روز جهانی زن در افغانستان

قرن ها یک پی دیگری سپری شد و هیچ گاه حقوق انسانی زنان توسط مردان به رسمیت شناخته نشد. بالاخره تدریجا با تکامل و نهادینه سازی ارزش های مدنی، وجدان بشریت، مبارزات زنان سازنده و آن عده از مردان خرمند و مدنیت خواه و حکم ضرورت زمان بدان جاه رسید که عده ای از مردان ناگزیرا روز «هشتم مارچ» را به عنوان روز جهانی زن به رسمیت شناختند. اعلان روز جهانی زن برای مرد سالاران، تاریک اندیشان، تمدن ستیزان، هژمونی خواهان جنس مذکر یک «روز سیه» و «سرآغاز» سقوط انحصار حاکمت و استبداد ویژه ای مرد سالاران را به ارمان آورد. برعکس این روز برای خانمان، جهل ستیزان، دانشمندان، مدنیت طلبان، خردمندان، دیگر اندیشان، آزادیخواهان، دموکراتان و... انسان دوستان «یک دست آورد» ارزشمند مبارزاتی نیروهای بشر دوست و به خصوص «زنان قهرمان» بود که این برای نخستین بار در امریکا اعلان گردید.

از وقتی که هشتم مارچ به عنوان روز بین المللی زن به رسمیت شناخته شده است، خوشبختانه که همه ساله از این روز در کشورهای مختلف تجلیل به عمل می آید و بازهم غنیمت است. در این راستا از طرف جمع کثیری از مردم، زمامداران دولتی، نهادهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و صاحب نظران در ارتباط محکومیت، حق تلفی، اسارت و خدمات زنان جهان سخن رانی ها و مطالب فراوانی ارائه می شوند. یک تعداد مردان هم در کشورهای پیشرفته و متمدن خوشه ای گلی را برای زنان مورد نظر شان تقدیم می نمایند و این روز را برای شان شادباش می گویند. ولی در کشورهای عقب نگهداشته و محصول استعمار بناء بر ساختار نهادهای فرسوده اجتماعی، معنوی، مادی و همچنان وجود دولت های دیکتاتور، تسلط نامحدود مرد سالاران و هزاران عوامل منفی دیگری اند که زنان در پائین ترین نردبان جامعه قرار دارند و آنها از جمله مالکیت خصوصی مردان به شمار می آیند. طبقات حاکمه و زمامداران این کشور از روی فریب هم به روز جهانی زن احترام گذاشته و به تجلیل نمایی آن اقدام می روزند؛ اما در عمل هیچگونه بار اسارت زنان را کم نکرده و نمی کنند. در ممالک عقب نگهداشته و به خصوص در سرزمین های اسلامی زنان از حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، جنیستی و روزجهانی زن چیزی نمی دانند و در زیر نامحدود ترین بارهای حق کشی، تظلم، اسارت خرد و خمیر گردیده و حتا با فجیع ترین شیوه توسط مردان نیز به قتل می رسند.

تجلیل از زور جهانی زن تقریباً به یک سمبول تبدیل گردیده که سال یک بار در اکثریت کشورهای جهان برگزار می‌گردد. اما اگر از مسؤلان امور پرسیده شود سالی که پشت سر گردید و حال به پیشواز از روز جهانی زن قراریم، چه اندازه حقوق زنان در «سال پار» در سراسر جهانی و به خصوص در کشورهای عقب‌نگهداشته شده جهان و خاصاً در کشورهای اسلامی و از آنهم خاص‌تر در افغانستان ویرانه مورد توجه عملی دولت‌های جهانی، منطقی و ملی قرار گرفته است؟ مسلماً که هیچ دولت، حاکم، نهاد‌های حقوقی و... بدان پاسخ منطقی نداده و نمی‌دهند. برای اینکه در پیشگاه وجدان بشریت از این ناحیه نیز سرافکنده و شرمنده هستند.

پس از سقوط حاکمیت سیاه‌طالبان در سال 2001 میلادی بود که دولتمداران جدید افغانستان با جامعه جهانی از جمله در مورد رفع خشونت‌ها علیه زنان، تحقق تساوی حقوق زنان با مردان و... سخنان پرطمطراقی را حواله نمودند و تعهدات بلندبالای را به صورت خاص در مورد حل اساسی حقوق زنان افغانستان دادند. این تحول جدید و تعهدات به صورت کلی تمام مردم کشور ما را به ویژه زنان اسیر افغانستان را نهایت امیدوار ساختند و به تحقق تعهدات و عملکردهای مثبت آنها دقیقه‌شماری می‌کردند. اما دیری نگذشته که آن تعهدات که سپرده شده بودند از سوی دست‌اندرکاران داخلی و خارجی چندان به معرض تطبیق قرار نگرفتند. هرچند که از جمله در مورد گشایش نهادهای تعلیمی دختران، شغل زنان و نظایر آن کارهای زیادی صورت گرفته‌اند که قبلاً از آن‌ها ویران شده بودند و یا در بعضی موارد نهادی جدیدی برای اثبات ساخته شده‌اند که نباید از آن کارهای مثبت اغماض نمود. تا این حد کارکردهای دولتمداران و جامعه جهانی در افغانستان قابل‌تقدیر می‌باشد؛ ولی با آنهم کافی نیست و در ضمن طبق تعهدات اولی‌شان کارهای لازم صورت نگرفته‌اند. هنوز هم در روستاها و نقاط دور دست افغانستان شرم‌آورترین جنایات ضد انسانی علیه زنان شوهردار، دختران جوان و دختران نابالغ صورت می‌گیرند که قلم از شرح و زبان از بیان آنها عاجز می‌باشند. اصلاً بر پایه سنت‌های خرافاتی و قدرت نامحدود مردسالاران حاکم در جامعه حتا بیش از نود درصد جنایات که در دهات و مناطق فراموش شده و دور دست افغانستان صورت می‌گیرند؛ از انظار عامه مخفی نگهداشته می‌شوند.

**وقتی که از اثر جنایات طالبان سال 2007 میلادی خونین‌ترین سال برای دولت جمهوری اسلامی افغانستان و ناتو در افغانستان بوده است؛ آیا این سال 1386 خورشیدی خونین‌ترین سال برای زنان کشور ما نمی‌باشد؟**

**این خانم در اثر خشونت خانوادگی دست به خودسوزی برده است.**



با وجودی که در قانون اساسی افغانستان حقوق زنان به رسمیت شناخته شده؛ ولی تا کنون یک «**قانون جامع**» جداگانه مخصوص زنان از جمله در مورد رفع خشونت خانواده ها، ازدواج های اجباری، ازدواج های صغیران، حل معضلات زنان بیوه و طفل داران، تخلف شوهران از حقوق زنان و اطفال و نظایر آن طرح و تدوین نگردیده است. در همین رابطه نیز است که شاهد «**تحفه های خونین**» از سوی برخی از مرد سالاران به طور مشخص در طول سال 1386 خورشیدی در قسمت زنان در افغانستان هستیم. این تحفه های خونین عبارت اند از: اختطاف دختر یازده ساله و فروش وی در بدل یک سگ جنگی در شمال کشور، ترور چند دختر و زن کارمند رادیو و تلویزیون افغانستان توسط زن ستیزان در کابل و پروان، گوش و بین بریدن یک زن در هرات ذریعه شوهرش، خودکشی برخی از زنان شوهردار از جمله در غرب کشور و به خصوص در ولایت هرات از اثر ظلم شوهران شان، تداوم ازدواج های جبری دختران توسط پدران جاهل شان در تمام کشور، گوش و بینی بریدن یک زن در ولایت زابل به واسطه شوهرش، به شوهر دادن دختران صغیر برای کهنسالان، کشتن دو خانم ذریعه شوهرشان در مزار شریف، ادامه تجاوزات جنسی بالای دختران چهار ساله در ولایات شمال و سایر مناطق افغانستان و غیره در جریان امسال می باشند که من این چنین جنایات ضد انسانی در حق زنان را به نام «**تحفه خونین مرد سالاران به پیشواز روز جهانی زن در افغانستان**» لقب می دهم.

**این دختر با چنین لت و کوب توسط پدرش به شوهر داده می شود.**



من در مقالات متعدد خویش در گذشته ها و همچنین در این سال خورشیدی نیز از جمله جنایات برخی از مرد سالاران را که در مورد زنان مرتکب شده اند در چند سایت انترنتی از جمله در سایت «کاتب هزاره» به نشر سپردم که یک واقعیت کتمان ناپذیر جنایات مرد سالاران را بیان می دارد. مضاف برآن، تحفه خونین دیگری تعدادی از مرد سالاران متحجر، زن ستیز و حیوان صفت را در این گزارش می خوانیم:

« فوزیه امینی، رئیس حقوق وزارت امور زنان افغانستان می گوید تنها در نیمه دوم سال جاری نزدیک به سه هزار مورد خشونت علیه زنان در این کشور به ثبت رسیده است.

خانم امینی می گوید: "در ربع سوم امسال ۲۳۳۰ قضیه و در ربع چهارم ۶۷۱ قضیه (درخصوص زنان) را در مرکز و ولایات به ثبت رسانده ایم که رقم بالایی است. قضایای خشونت به انواع مختلف وجود دارد که می توان از آن جمله به لت و کوب، طلاق، خودسوزی، فسخ نامزدی، اختطاف، قتل، تجاوز جنسی و ازدواج اجباری اشاره کرد." (1)

آیا این چنین گزارش تکان دهنده خود یک تحفه ننگین و خونین مرد سالاران تاریک اندیش را به مناسبت هشتم مارچ 2008 میلادی روز بین المللی زن برای زنان، حامیان حقوق بشر، مدافعین زنان و انسان دوستان سراسر جهان و به خصوص در افغانستان نمی باشد؟

**گوش و بینی این خانم توسط شوهرش در هرات بریده شده است.**



در جای دیگر بخشی از جنایات مرد سالاران ددمنش در کشور ما چنین گزارش شده است:

« در افغانستان هر نیم ساعت يك زن قربانی خشونت می شود. بگزارش خبرنگار صدا و سیمای ایران از کابل، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان اعلام کرد، در 9 ماه گذشته بیش از 1370 مورد خشونت و نقص حقوق زنان در این کمیسیون ثبت شده است. بر اساس این گزارش مهمترین موارد نقص حقوق زنان شامل تنبیه بدنی، اخراج از خانه، توهین، تحقیر و طلاق است. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان افزود، یکصد و يك مورد خود سوزی، 38 فقره قتل، 15 مورد خود کشی، 266 مورد سقط جنین اجباری، هفتاد و نه مورد ازدواج اجباری، 71 مورد پرداخت نکردن نفقه و 462 مورد اعتیاد اجباری از دیگر موارد نقص حقوق بشر در این مدت است.» (2)

آیا مطلب بالا گوشه ای از جنایات ضد انسانی مرد سالاران را در برابر زنان تحت ستم و اسیر افغانستان بازتاب نداده و نمی دهند؟ آیا این مرد سالاران سیه دل، جهل پرور و تمدن ستیز با چنین جنایات ضد انسانی خودها امسال روز جهانی را زن به مسخره و اهانت نگرفته اند؟ وقتی که زمامداران وقت کشور ما و جامعه جهانی که خودها را حامی حقوق بشر قلمداد می نمایند، چرا چنین ناقضین حقوق بشر را مورد پی گرد قانونی و مجازات سنگین قرار نمی دهند؟ اگر در رأس زمامداری کشور ما زنان بادرده، مجرب، مبتکر، شایسته و آگاه به امور دولرداری، جامعه و سیاست در جوار مردان سازنده، انسان دوست و دموکرات قرار داشته باشند؛ چگونه ممکن خواهد بود که جنایت کاران و ناقضین حقوق بشر را مورد محاکمه قانونی و مجازات قرار ندهند و همچنان عدالت انتقالی را در جامعه تطبیق نکنند؟

اصل این گزارش مربوط سایت بی بی سی است که در مورد خانم بینظیر نام می باشد. بینظیر چهار مراتبه از سوی چهار شوهرش به فروش رسیده است که اینک به یک قسمت از این گزارش باهم توجه نماییم:

« این خبر تحت عنوان " من چهار بار فروخته شدم" سرگذشت غم انگیز و دهشت بار یک زن افغان است از ولسوالی شنوار ولایت ننگرهار.

این زن که با نام مستعار بینظیر معرفی شده است 31 ساله است. وقتی 12 ساله بود به عروسی یک مرد 24 ساله داده شد. از آن زمان تا کنون بینظیر چهار بار توسط مردانی که وی تصور میکرد شوهرش هستند فروخته شده است. این کار زشت و غیر انسانی تحت یک عنعنه و رسم محلی بنام "فروش زنان" صورت می گرفته است.

بینظیر گفت من 9 سال با شوهر اولم زندگی کردم و چهار اولاد از وی داشتم تا اینکه وی تصمیم گرفت مرا به قبایلی ها (گروه های قبیله ای که در طرف پاکستانی سرحد زندگی میکنند) بفروشد. شوهرم زمیندار بود و همیشه شکایت میکرد که من زشت رو و غیر جذاب هستم. نمی دانم به چند مرا فروخت.

**بینظیر چهار مراتبه توسط چهار شوهرش فروخته شده است.**



من نمی توانستم دخترک دو ساله ام را تنها بگذارم بنا بر این شوهرم وی را نیز به همراه من – در حالیکه هنوز یک طفل دیگر را دو ماهه حامله دار بودم- بفروش رسانید. ما به یک مرد بنام ضیاء الله (نام مستعار است) فروخته شدیم. این مرد همیشه عصبانی بود و دو زن دیگر و فرزندان شان را همیشه لت و کوب میکرد. وی از طریق قاچاق انسانها به کشور های عربی امرار معاش میکرد.

چهار ماه بعد دخترک دوساله ام گم شد. مردم وی را از من دزدیدند. من همیشه بخاطر دخترم گریه میکردم. تا اینکه یک روز ضیاء الله بمن گفت که از گریه ها و چهرهء نازیبای من خسته شده است و می خواهد مرا به یک مرد دیگر بفروشد.

ضیاء الله مرا به مردی بنام حاجی امان (نام واقعی اش نیست) فروخت. او یک مرد ثروتمند از مومند دره بود. او یک زمیندار و تاجر بود که مواد ساختمانی را از شهر های پاکستانی به منطقه وارد میکرد. او مرا خرید تا برایش پسر بدنیا بیاورم زیرا از زن قبلی خود پسری نداشت. او با من به نرمی رفتار میکرد و من اولین پسر را بنام نورالله برایش بدنیا آوردم. من بسیار خوشحال بودم و حاجی امان هم ازینکه برایش توانسته بودم فرزند نرینه بدنیا بیاورم بسیار خوشحال بود.

۹ ماه بعد دوباره فرزند بدنیا آوردم که متاسفانه دختر بود و پانزده روز بعد تر مرد. حاجی امان بسیار قهر شده بود و من نیز بسیار ترسیده بودم. از خداوند دعا می کردم که برایم پسر بدهد تا لااقل بتوانم حاجی امان را راضی بسازم. اما دفعهء دیگر باز هم دختر بدنیا آوردم که نامش را بس بی بی (یعنی دختر دیگر بس است) گذاشت.

نمیدانم چه شد که دفعهء سومی که دختر بدنیا آوردم حاجی امان بسیار قهر شد و فکر کرد که مشکل از من است که نمی توانم پسر بدنیا بیاورم. وی با یک دختر جوان به مبلغ چهار صد هزار روپیه (6500 دالر) عروسی کرد.

خداوند سه دختر دیگر هم به من داد و حالا از حاجی امان شش دختر دارم. حاجی امان مرد خوبی بود و نمی خواست مرا بفروشد. وی میگفت که مایهء شرم است که مردان زنان خود را می فروشند. با این وجود، بخاطر سخن چینی های زن اولش، حاجی امان مرا بدست یک ملا داد تا مرا به نزد شوهر اولم در شینوار ببرد.

اما ملا نا اهل برآمد. وی من و دختران مرا به یک مرد دیگر فروخت که کارش خرید و فروش زنان بود. این مرد مرا به همراه چهار زن دیگر بمدت چند هفته نگهداشت. یک شب او همهء ما را به یک قریهء دیگر برد، جاییکه مردان زیادی در یک باغ جمع شده بودند. ما همگی برقع (چادری) به سر داشتیم و بما گفته بودند که گپ نزنیم.

آخر الامر، بطرز عجیب و غریبی شوهر اولم مرا خرید بدون اینکه مرا و دخترانم را بشناسد. وقتی او مرا بخانه اش برد و چهرهء مرا دید شگفت زده شد. او گفت که شست هزار افغانی (یکهزار و دو صد دالر) داده است تا مرا که چندین سال قبل بسیار ارزان تر فروخته بود، دوباره بخرد.

من مجموعاً یازده فرزند بدنیا آورده ام اما هنوز هم برای دخترک دو ساله ام که از منزل ضیاءالله اختطاف گردیده بود؛ بسیار دق شده ام.» ( 3 )

گزارشات گوناگونی که از سوی منابع حقوقی، رسانه ای، شنیداری، تصویری، دیداری داخلی و بین المللی در ارتباط افزایش خشونت و جنایت علیه زنان تا حال پخش گردیده اند؛ آیا سال 1386 خورشیدی به عنوان «خونین ترین» سال برای زنان و تمام مردم افغانستان به حساب نمی آید؟ آیا عملکردهای ضد انسانی بر ضد زنان به معنای یک جنایت نابخشیدنی علیه تک تک مردم افغانستان نمی باشد؟ آیا این چنین جنایات ضد انسانی در برابر زنان کشور ما به معنای جنایت علیه تمام بشریت و به خصوص بر ضد زنان سراسر جهان نمی باشد؟ آیا هنوز هم نمی پذیریم که با چنین جنایات ضد انسانی علیه زنان کشور ما؛ انسانیت در وجود چنین مرد سالاران جنایت پیشه مرده است؟

آیا با رویت این گزارشات و تصاویر نهایت غم انگیز هنوز هم نمی پذیریم که این مرد سالاران حیوان صفت تحفه های خونین را در این سال خورشیدی به مناسبت روز جهانی زن تقدیم نمودند؟

گوش و بینی این خانم توسط شوهرش در ولایت زابل بریده شده است.



## گپ آخر:

آیا قبل از همه بر تاریخ نگاران، جامعه شناسان، خردمندان، دانشمندان، روحانیون، فرهنگیان، سیاسیون، حقوق دانان و قلم بدستان جنس مذکر واجب نیست که جهت روشنی افکار عامه جنایات مرد سالاران را در قسمت زنان، دختران جوان، دختران صغیر و کودکان افشاء نموده و از حقوق انسانی زنان و خرد سالان به صورت همه جانبه حمایت نمایند؟ آیا در قدم نخست خود زنان به مثابه یک «محور اساسی» جهت تحقق حقوق سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، آزادی و سایر حقوق شان در جامعه شده نمی توانند؟ آیا پیش از همه جامعه ما به یک خودآگاهی لازم سیاسی، تغییرات همه جانبه مثبت فرهنگی، خود سازی درونی جامعه و شگوفایی اقتصادی ضرورت ندارد تا



زیرساخت و روساخت نهادهای ملوک الطوائفی، فرهنگ قبیله‌ای، استبداد مرد سالاری و سنن ضد مدنی به طور مسالمت آمیز و تدریجی در بستر زوال سوق داده شود؟

وجدات بشریت، داوری تاریخ واقعی و ضرورت زمان حکم می نمایند که ما مردان در سراسر جهان از ماهیت مرد سالاری، استبداد، جنایات تاریخی نیاکان خویش تا حال که در حق زنان صورت گرفته و هنوز هم می گیرند به صورت عقلانی و خردمندانه انتقاد کرده و از این ناحیه از پیشگاه انسان، خداوند لایزال و زنان عذرخواهی نموده و منبعدها را به طور آگاهانه و مسئولانه در خدمت بشریت و به خصوص در خدمت زنان و اطفال قرار بدهیم تا تدریجا پیش زمینه های «انسان سالاری» برای نسل های آینده مایه گذاری گردد.

امید است که مردم افغانستان و به خصوص زنان کشور ما منجمله از چنین رویدادهای نهایت ضد انسانی نیز عبرت گرفته و همه به صورت آگاهانه و مسئولانه مبارزات خود را جهت تحقق تدریجی عدالت اجتماعی، آزادی، کثرتگرایی، برابری و تشکیل «نظام مردم سالاری» به جای «سیستم مرد سالاری» و سایر نهادهای فرسوده اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه قبیله‌ای شکل دهند تا «جهان نو با تفکر نو و حرکت نوین سازنده و مثبت» به صورت مسالمت آمیز و تدریجی در جامعه مسلط گردد.

**به امید آزادی اساسی تمام بشریت و به خصوص زنان در سراسر جهان !**

روز سه شنبه 14 حوت 1386 خورشیدی برابر با 4 مارچ 2008 میلادی/ آلمان

منبع:

(1) - سایت کاتب هزاره « افغانستان 'محل خطرناکی برای زنان' » / روز چهارشنبه 8 حوت 1386 خورشیدی برابر با 27 فیبروری 2008 میلادی/ آلمان.

(2) - سایت کاتب هزاره « تداوم خشونت علیه زنان در زیر سایه دولت و قوای خارجی در افغانستان » / نویسنده: غلام سخی ارزگانی/ میزان 1386 خورشیدی / جرمنی.

(3) - سایت کاتب هزاره « فروش زن در شینوار و فروشندگی زنان در مزار » / ماه اگست 2007 میلادی.

عکس ها از سایت کاتب هزاره گرفته شد که قبلا منابع اصلی آن در این سایت درج می باشد.

آدرس : [info@kateb-hazara.net](mailto:info@kateb-hazara.net)